



انسان و معماری (۱)

مجید خانلری



مرگ سیاه (طاعون) در میانهٔ قرن چهاردهم حدود یک مسیر شیوع بیماری

همچنین انسان فرصت بیشتری برای اندیشیدن یافت و شروع به خلق آثاری نمود که امروزه منابع مهمی برای شناخت نوع زیست مادی و معنوی او هستند. همچنین آثاری که باستان‌شناسان و انسان‌شناسان از غارهای محل سکونت انسان به دست آورده‌اند نشان می‌دهد که غارنشینان با استفاده از پوست حیوانات برای خود پوشاک درست می‌کرده‌اند.

در نوشته‌های پیشین اشاره کردیم که پیش از تاریخ به سه دوران پارینه‌سنگی، میان‌سنگی و نوسنگی تقسیم می‌شود و هر دوران نیز دارای تقسیمات آغازین، میانی و پایانی است.

دوران پارینه‌سنگی ایران به سه دورهٔ آغازین، میانی، پایانی و یک دورهٔ کوتاه به نام فراپارینه‌سنگی تقسیم می‌شود. کهن‌ترین شواهد این دوره که مربوط به فرهنگ الدوان است در اطراف رودخانهٔ کشف‌رود در شرق مشهد یافت شده است. این شواهد شامل تعدادی ابزار سنگی ساخته شده از کوارتز است که شامل تراشه و ابزار ساتورمانند است. طبق نظر کاشفین این مجموعه دست کم هشتصد هزار سال قدمت دارد. از فرهنگ آشولی نیز مدارک بیشتری در شمال غرب و غرب ایران به دست آمده است. از مکان‌های مهم می‌توان گنچ‌پر در رستم‌آباد گیلان، شیوه‌تو در نزدیکی مهاباد، پل باریک در هلیلان ایلام را نام برد. از دوران پارینه‌سنگی میانی که فرهنگ ابزارسازی آن موستری گفته می‌شود، شواهد متنوع‌تری در غارها و پناهگاه‌ها یافت شده است که اغلب مربوط به زاگرس مرکزی هستند. این دوره از حدود دویست تا یکصدوپنجاه هزار سال پیش آغاز و

انسان با کشف آتش و اختراع زبان دو گام بسیار بلند و مهم برای متمایز شدن از دیگر موجودات و برتری یافتن بر آنها برداشت. این دو تحول زمینه‌ساز تحولات دیگری در زیست انسان شد و از جمله او را به محیط زندگی‌اش متوجه نمود. انسان در ابتدا بنا بر غریزه جاهایی را برای زندگی و سکونت انتخاب می‌کرد که از شر حیوانات درنده در امان بماند و به ملزومات اساسی برای زنده ماندن - به ویژه آب و غذای طبیعی - نزدیک باشد. در این مرحله انسان سکونتگاه معین و ثابتی نداشت و به دنبال غذا از مکانی به مکان دیگر می‌رفت و از عوارض طبیعی زمین، از پستی و بلندی‌ها و حفره‌ها، به عنوان پناهگاه‌های موقت استفاده می‌کرد. البته شیوهٔ زندگی انسان از نظر سکونت در مناطق مختلف فرق می‌کرد و بسته به میزان پیشرفته بودن انسان در ابزارسازی و آب و هوای منطقه تنوع داشت. سه مرحلهٔ اصلی زندگی انسان شامل جنگل‌نشینی، غارنشینی و چادرنشینی بوده است. در شیوهٔ جنگل‌نشینی، انسان در جنگل‌ها زندگی می‌کرده و مانند میمون‌های آدم‌نما خوراکش از میوه‌های درختان و گوشت برخی از جانوران و ساقه و میوهٔ گیاهان تأمین می‌شده است. این شیوه نزدیک‌ترین روش زندگی انسان و حیوان بوده است و نشان می‌دهد که انسان دوره‌ای از توحش را در شیوهٔ زیست گذرانده. در این مرحله اساسی‌ترین تفاوت انسان و حیوان تکامل مغز انسان بود که او را قادر می‌ساخت در مقابل عوامل خارجی واکنش نشان دهد و برای رهایی از این مشکلات چاره‌جویی کند. گوردون چایلد در کتاب «انسان خود را می‌سازد» می‌نویسد «جانوران با اعضای بدن و به کمک غریزه خود با محیط سازش می‌کنند ولی انسان با ابزار و ایجاد تغییرات در محیط زندگی بر سختی‌ها غلبه پیدا می‌کند». روی دو پا ایستادن و راست‌قامتی انسان سبب شد که درک او از محیطش گسترده‌تر و عمیق‌تر باشد و در عین حال، دستانش نیز آزاد شود و از آنها برای انجام کارهای دیگر استفاده کند.

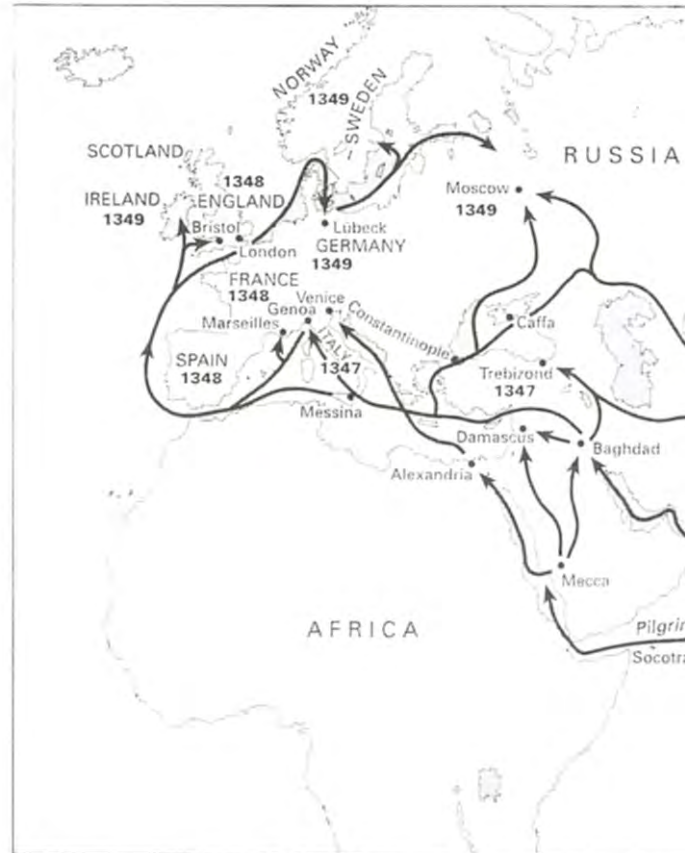
زندگی جنگل‌نشینی بیشتر در مناطق استوایی و مرطوب که جنگل‌های زیادی وجود داشته شکل گرفت. شرایط آب و هوایی و رطوبت زیاد سبب شده که آثار زیادی از ابزار و وسایل زندگی انسان‌های جنگل‌نشین به دست نیاید. باستان‌شناسان بر این باورند که انسان‌های نخستین میلیون‌ها سال در شیوهٔ زندگی جنگل‌نشینی به سر بردند تا توانستند به مرحلهٔ دیگر زندگی، یعنی غارنشینی دست یابند.

برای انسان‌های اولیه تغییر محیط زندگی و یا تغییر در شیوهٔ زندگی تنها با یک دگرگونی عمده در اوضاع طبیعی پیرامون آنها امکان‌پذیر بود. با وقوع برخی حوادث طبیعی، مثل تغییرات شدید آب و هوایی و نابودی جنگل‌ها و حیوانات، گروهی از انسان‌ها از این تغییرات جان سالم به در بردند و به حاشیهٔ جنگل‌ها آمده و با محیط جدید سازگار شدند. آنها برای حفظ خود به کوه‌ها، دامنهٔ کوه‌ها، شکاف کوه‌ها و حفره‌های طبیعی و مناطق دیگری که تهیه غذا امکان‌پذیر بود رفتند.

از دورهٔ زندگی غارنشینی انسان آثار فراوانی کشف شده است که شیوهٔ زندگی انسان را از دیدگاه‌های اعتقادی، هنری و معیشتی نشان می‌دهد. غارنشین شدن انسان شیوهٔ تغذیه او را تغییر داد و زمینه‌های جمع‌آوری و ذخیرهٔ غذا را مهیا کرد.



آهکی زندگی می‌کرده، ابزار ساز بوده، از آتش استفاده می‌کرده و استخوان حیوانات را برای دستیابی به مغزش می‌شکسته است. حدود بیست هزار سال پیش، زندگی غارنشینی پایان یافت و انسان به مرحله چادرنشینی وارد شد که همزمان با پایان یافتن دوره سرما و گرم شدن تدریجی هوا بوده است. درباره این شیوه زندگی و چگونگی تحول انسان و ایجاد سازه‌های معماری در نوشته‌های بعدی سخن خواهیم گفت.



چهارم تا یک سوم مردم جهان را کشت. در این نقشه مزبور دیده می‌شود.



صحنه‌های طاعون بزرگ لندن در سال ۱۶۶۴ میلادی.

تا حدود چهار هزار سال پیش ادامه داشته است. انسان‌های نئاندرتال در این دوره در ایران می‌زیستند که بقایای اسکلت آنها در غار بیستون یافت شده است. مکان‌های مهم این دوره غارهای بیستون، ورواسی، قبه و دو اشکفت در شمال کرمانشاه، قمری و گر ارجنه در اطراف خرم‌آباد، کیارام در نزدیکی گرگان، نیاسر و کفتارخون در نزدیکی کاشان، قلعه‌بزی در نزدیکی اصفهان و میرک در نزدیکی سمنان است.

دوران پایانی پارینه‌سنگی ایران از حدود چهار هزار سال پیش آغاز و تا حدود هجده هزار سال پیش ادامه یافته که مقارن با مهاجرت انسان هوشمند جدیدی به ایران است. آثار این دوره در اطراف کرمانشاه، خرم‌آباد، مرودشت و کاشان یافت شده است. فرهنگ ابزارسازی این دوره تیغه و ریزتیغه برادوستی است. آثار دوره بعدی فراپارینه‌سنگی در غرب زاگرس و شمال البرز به دست آمده که فرهنگ زرزی خوانده می‌شود.

این دوره که حدود هشتصد هزار سال طول کشید منجر به تحول زیستی انسان از دوره‌گردی به استقرار موقت و سپس استقرار مدت‌دار در غارها شد. انسان غارنشین به صورت گروهی و اجتماعی زندگی می‌کرد و دسته‌جمعی به شکار می‌رفت. مطالعه دیوارهای غارها نشان می‌دهد که این انسان قادر بود اشکال حیوانات را نقاشی نماید. این نقاشی‌ها هم بیانگر توسعه شناخت انسان از موجودات پیرامون خود بود و هم نوعی رفتار آیینی به شمار می‌آمد و حتی رفتاری برای تزیین محل سکونتش بود. پروفسور بریدوود معتقد است که انسان پکن در غار واقع در یک تپه